

## بررسی موانع یادگیری آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان عرب

سارا جوکار<sup>۱</sup>

هانیه جاوید<sup>۲</sup>

چکیده

بنا بر قوانین حاکم بر طبیعت علوم، هر بحث جدید در روند گسترش خود، با مسائل و موانع خاصی روبرو می‌شود. علم آموزش زبان نیز چنین است. هدف این پژوهش بررسی مهم‌ترین موانع یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم برای عرب‌زبانان است. جامعه‌ی آماری عرب‌زبانان مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه فردوسی مشهد هستند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ساده تعداد ۶۰ نفر انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته با ۳۰ سؤال بسته‌پاسخ براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود که روایی آن به صورت صوری و محتوایی مورد تایید استادان باتجربه و متخصص در این زمینه قرار گرفت و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) و استنباطی (آزمون خی دو) با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS 20 صورت گرفت. داده‌ها نشان می‌دهد که بین پیشرفت دانشجویان در یادگیری زبان فارسی به عنوان متغیر وابسته با متغیرهای مستقل دیگری چون عوامل عاطفی، امکانات آموزشی، محتوای کتاب درسی، رغبت (علاقه) دانشجویان به زبان فارسی و شیوه‌ی آموزشی رابطه وجود دارد؛ لذا کمبود هر یک از این موارد به عنوان مانعی در یادگیری زبان محسوب می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی، عرب زبانان، موانع یادگیری زبان فارسی، عوامل عاطفی، امکانات آموزشی.

### مقدمه و طرح مسئله

علم آموزش زبان‌های خارجی از یک سو نظامی بسیار قدیمی است و از ابتدای تشکیل جوامع مدنی، در مبادلات بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است؛ از سوی دیگر به دلیل مطرح شدن انگیزه‌های جدید یادگیری زبان امری جدید است. تا پیش از جنگ جهانی دوم، آموزش زبان‌های خارجی بیش‌تر به طبقه نجیب‌زادگان و اشراف اختصاص داشت اما طی جنگ جهانی دوم به دلایل سیاسی و جاسوسی دولت‌ها توجه خاصی به این زمینه معطوف داشتند. روند سریع پیشرفت‌های قرن بیستم، مردم کشورهای مختلف را به فراگیری یک یا چند زبان وادار کرد تا جایی که گوته در این باره می‌گوید: "کسی که هیچ زبان بیگانه‌ای را نمی‌داند، زبان خود را هم به درستی نمی‌داند" (ویگوتسکی ۲۰۱۲).

موضوع اهمیت زبان یکی از مسائل عمده و بحث برانگیز بوده که همواره مورد توجه بسیاری از دانشمندان قرار داشته است. زبان ابزاری است که در زندگی اجتماعی مختص انسان‌ها می‌باشد و یا به عبارت دیگر زبان پدیده‌ی اجتماعی و منحصر به فرد است که موجبات پروسه تکامل انسان و جامعه را فراهم می‌سازد. هر زبانی افق‌های تازه

<sup>۱</sup> مربی دانشگاه فسا sarajha85@yahoo.com

<sup>۲</sup> مربی مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان h.javid89@yahoo.com

دانشگاه فردوسی مشهد

در برابر چشمان بشر می‌گشاید و می‌تواند وسیله‌ی ارتباط فرهنگی، علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردد. با توجه به پراکندگی بشر بر روی کره‌ی خاکی و توزیع افراد در جوامع مختلف و تنوع و تفاوتی که در این جوامع مشاهده می‌شود عجیب نیست که این افراد به زبان‌های متفاوتی سخن بگویند. اینکه چگونه فردی زبان مادری خود و یا زبانی بیگانه را فرا می‌گیرد همواره مورد توجه محققان بوده است. هزاران سال است که دانشمندان به چگونگی فراگیری زبان دوم توجه کرده‌اند و همیشه موضوع یادگیری زبان دوم به تدریس آن وابسته بوده است. یعنی چگونه می‌توان زبان دوم را به شیوه‌ای مؤثر و کارآمد تدریس کرد (نیومایر ۱۹۹۶: ۱۴۵). علی‌رغم تجربه‌ی بسیار برخی معلمان هنوز در نیافته‌اند که چه چیزی واقعا در تدریس و یادگیری زبان اهمیت دارد. آنان معمولا مهم‌ترین عنصر هر جلسه‌ی آموزشی را نادیده می‌گیرند که شامل فراهم آوردن تجربه‌ی یادگیری با ارزشی است که سهم قابل توجهی در تکمیل کارایی زبان دوم دارد. نباید فراموش کرد که معلمان به مجموعه‌ای از افراد تدریس می‌کنند و هر فرایند تدریس باید شاگرد و معلم را از نظر احساسی غنی‌تر و بارورتر سازد (مارتون ۱۳۸۱). پژوهش حاضر به بررسی موانع یادگیری زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌پردازد. در این پژوهش با استفاده از روش میدانی سعی می‌کنیم با تکیه بر نتایج حاصل از تحقیق انجام شده بر روی نمونه‌ی آماری مهم‌ترین موانع را در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم برای عرب‌زنان از لحاظ کمی و کیفی تحلیل کنیم.

#### سؤالات پژوهش

- ۱) آیا بین عوامل عاطفی دانشجویان عرب‌زبان و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟
- ۲) آیا بین امکانات آموزشی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟
- ۳) آیا بین محتوای کتاب درسی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟
- ۴) آیا بین رغبت (علاقه) دانشجویان عرب‌زبان به زبان فارسی و یادگیری آن رابطه وجود دارد؟
- ۵) آیا بین کشور و فرهنگ ایران و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟
- ۶) آیا بین تداخل زبان اول (عربی) و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟
- ۷) آیا بین شیوه‌ی آموزشی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟

#### پیشینه‌ی مطالعات

یول (۱۹۸۶) معتقد است چهار دسته از عوامل نظام آوایی و شنیداری بر فرایند یادگیری-یاددهی درس زبان تاثیر می‌گذارند: ۱) عوامل مربوط به گوینده‌ی تعداد صحبت‌کنندگان، سرعت آنان و انواع لهجه‌ها. ۲) عوامل مربوط به شنونده، نقش یا سهم شنونده، سطح درک پاسخ، میزان علاقه‌ی شنونده نسبت به موضوع. ۳) محتوا (متن): سطح پیچیدگی ساختار اطلاعاتی، گرامری و واژگان. ۴) لوازم و پشتیبانی: در زمینه‌ی تصاویر، نمودارها و دیگر وسایل دیداری شنیداری. سوان و اسمیت (۲۰۰۱) دریافتند بسیاری از مشکلاتی که زبان‌آموزان زبان خارجی با تلفظ لغات و دستور زبان خارجی دارند، به علت تداخل عادت‌های زبان اول است. چان (۲۰۰۴) و جارویس (۲۰۰۲) در طی تحقیقات خود در زمینه‌ی تداخل زبان اول در یادگیری زبان دوم به این نتیجه رسیدند که در یادگیری زبان خارجی، زبان‌آموزان با استفاده از دانش زبان اول خود قوانین موقتی می‌سازند. زمانی یادگیری حاصل می‌گردد که قاعده‌سازی به حد کافی در زبان خارجی در زبان خارجی روان شده باشد تا بتواند انتقال را انجام دهد.

کارت (۲۰۰۲) به مطالعه‌ی بررسی سن به عنوان مانعی در یادگیری زبان دوم می‌پردازد. او به این نتیجه می‌رسد که سن مانع اصلی در یادگیری زبان دوم نیست و موانع مهم‌تری مانند مدت زمان آموزش زبان دوم تاثیر مهم‌تری در یادگیری دارد.

کوهن (۱۹۷۰) به مطالعه‌ی موانع یادگیری زبان دوم در بزرگسالانی که در کلاس‌های زبان توریستی شرکت می‌کردند، پرداخته‌است. زبان‌آموزان در چند ترم متوالی به یادگیری زبانی می‌پرداختند که هیچ سررشته‌ای از آن نداشتند. نتایج داده‌ها نشان می‌دهد که ترس از زبان و عدم عزت نفس از اصلی‌ترین موانع در یادگیری زبان دوم برای زبان‌آموزان بوده‌است.

لادو (۱۹۵۷) معتقد است که در فرایند یادگیری زبان دوم تداخل یا انتقال منفی از موانع یادگیری زبان است. وی معتقد است: "این دیدگاه که معنا (مفهوم) در تمامی زبان‌ها مشابه است و زبان‌ها فقط از لحاظ صورت متفاوتند، کاملاً غلط است. زبان‌های مختلف معانی مختلفی را در غالب واژه‌ها به کار می‌گیرند. بنابراین یک واژه در زبان A ممکن است معادل‌های متعددی در زبان B داشته باشد. الگوهای مختلفی برای واژه‌ها در زبان‌های مختلف وجود دارد."

در پژوهش‌های اخیر پردو (۱۹۹۳)، اولدین (۱۹۸۹) و رین‌بام (۱۹۸۷) نشان داده شده‌است که زبان اول بر یادگیری زبان دوم تاثیر بسزایی دارد. گاهی ساختارهایی که در زبان اول شکل گرفته‌اند به یادگیری ساختارهای مشابه در زبان دوم کمک می‌کنند، اینگونه ساختارها انتقال مثبت نام دارند. در مواردی ساختارهای پیچیده‌تری در زبان دوم وجود دارند که به الگوی زبان اول مشابه نیستند و از یادگیری موارد غیر مشابه در زبان دوم جلوگیری می‌کنند؛ اینگونه موانع یادگیری تداخل یا انتقال منفی نام گرفته‌اند.

ریورز (۱۹۸۱) عواملی مانند نگرش و علایق دانش‌آموزان، برنامه‌های درسی، نیاز اجتماع، طرز فکر معلم و روش تدریس وی را در امر یادگیری مؤثر دانسته‌است.

#### چهارچوب نظری و روش انجام تحقیق

آموزش، فراگیری تخصص‌ها، مهارت‌ها، شناخت و آگاهی است که فرد را جهت پذیرش سمت جدید و یا انجام وظایف مختلف در مقطع زمانی خاص که از پیش تعیین شده‌است، آماده و تجهیز می‌نماید. به تعبیری آموزش کوششی است که توسط سازمان‌ها برای تغییر رفتار افراد از طریق فرایند یادگیری و به خاطر افزایش اثربخشی آن‌ها صورت می‌گیرد (صمدآقایی ۱۳۸۳: ۱۰).

اشورت (۱۹۸۵: ۴) به نقل از کلی، سه هدف کلی را در آموزش زبان تشخیص می‌دهد: اجتماعی، هنری یا ادبی و فلسفی. توجه به هدف اول ایجاب می‌کند که زبان را نوعی رفتار اجتماعی و گونه‌ای ارتباط بیانگاریم. هدف هنری به زبان به عنوان ابزار خلاقیت می‌نگرد و نیاز به درک فعالیت خلاق دارد. هدف فلسفی، آموزش شیوه‌های تحلیلی را ایجاب می‌کند و اغلب زبان‌شناسی را با آموزش زبان می‌آمیزد. در هر دوره‌ای از تاریخ یکی از این سه هدف مدنظر بوده و نگرش خاص آن بر شیوه‌ی آموزش اعمال شده‌است. هدف از زبان‌آموزی گاه فراتر از محدوده‌ی یک جامعه است. گاه تحصیل در کشوری دیگر مورد نظر است و گاه برای به دست آوردن شغل یا حرفه‌ای فرد ناگزیر از آموختن زبان است (کوک ۱۹۹۳: ۱۰۹).

اهداف کلی برنامه‌ی آموزش زبان معمولاً با طرح پرسش‌هایی از این قبیل به دست می‌آید که چرا زبان‌آموزان در محیطی خاص نیاز به یادگیری زبان دارند و کدام تجربیات آموزشی این اهداف را برآورده می‌سازد و چگونه می‌توان این تجربیات آموزشی را سازمان داد. برای این کار باید به گردآوری اطلاعاتی از قبیل سن، میزان آشنایی با زبان، پیشینه‌ی تحصیلی، تجارب یادگیری قبلی زبان‌آموزان و سپس بررسی عواملی که به عنوان موانع از پیشرفت مستمر زبان‌آموز جلوگیری می‌کنند، پرداخت (نونان ۱۹۸۸).

براون (۲۰۰۷: ۷-۸) معتقد است یادگیری به معنی فراگیری و دریافت دانش درباره یک موضوع و یا یک مهارت از طریق مطالعه، تجربه و تعلیم است. یادگیری تغییر تقریباً دائمی در گرایشات رفتاری است و نتیجه‌ی تمرین مثبت

شده است. او معتقد است، با تجزیه کردن تعریف یادگیری به عناصر سازنده‌اش می‌توان حوزه‌های بررسی و تحقیق را به دست آورد:

۱. یادگیری اکتساب و یا فراگرفتن است.
۲. یادگیری، به خاطر سپردن اطلاعات و مهارت است.
۳. یادگیری متضمن نظام‌های ذخیره سازی، حافظه و سازماندهی شناختی است.
۴. یادگیری لازمه‌اش این است که توجهی فعال و آگاهانه بر رویدادهای بیرون و درون فرد داشته باشیم.
۵. یادگیری تقریباً همیشگی است ولی در معرض فراموشی قرار دارد.
۶. یادگیری از طریق تمرین و ممارست است که حاصل می‌شود
۷. یادگیری تغییری در رفتار است.

این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی است. جامعه‌ی آماری فارسی‌آموزان عرب‌زبانی است که از مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شده‌اند.

جدول ۱- توزیع حجم نمونه برحسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۳۴	۵۶,۷
مرد	۲۶	۴۳,۳

آزمودنی‌ها عرب‌زبانان متعلق به کشور عراق و عربستان با میانگین سنی ۲۲ تا ۲۸ سال بوده‌اند که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ساده ۶۰ نفر از سه سطح مبتدی، متوسط و پیشرفته انتخاب گردیده‌اند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق ساخته با ۳۰ سؤال بسته‌پاسخ بر حسب طیف پنج درجه‌ای لیکرت بوده که هفت مؤلفه را مورد پرسش قرار داده است. روایی آن به صورت صوری و محتوایی مورد تایید استادان باتجربه و متخصص در این زمینه قرار گرفت و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰,۸۳ محاسبه گردید. پرسشنامه به زبان عربی معیار ترجمه شد و سپس در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت.

## نخستین همایش آموزش زبان فارسی

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای بررسی سوالات از آزمون خی دو ناپارامتریک استفاده شده است که با نرم افزار SPSS انجام شده‌اند. با توجه به نمره‌گذاری داده‌ها از ۱ تا ۵ رده‌های کیفی زیر در مجموع برای این متغیر و سایر متغیرهای این تحقیق حاصل شده است:

نمره‌ی ۱ تا ۱,۸: کاملاً موافق

نمره‌ی ۱,۸۱ تا ۲,۶: موافق

نمره‌ی ۲,۶۱ تا ۳,۴: بی طرف

نمره‌ی ۳,۴۱ تا ۴,۲: مخالف

نمره‌ی ۴,۲۱ تا ۵ کاملاً مخالف

(۱) آیا بین عوامل عاطفی و احساسی دانشجویان و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟

بررسی موانع یادگیری آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان عرب / ۱۴۱

جدول ۲- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف مربوط به سؤال (۱)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده ها
8.0	12.0	20	کاملاً موافق
9.0	12.0	21	موافق
-5.0	12.0	7	بی طرف
-4.0	12.0	8	مخالف
-8.0	12.0	4	کاملاً مخالف

جدول ۳- آزمون خی دو: محاسبه‌ی رابطه‌ی عوامل عاطفی و احساسی و یادگیری زبان فارسی

20.83	آماره
4	درجه آزادی
0.00	سطح معناداری

در جدول (۳) چون سطح معناداری از 0.05 کمتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری می‌باشد. گزینه‌های جدول فراوانی مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که پاسخ‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق متمایل است که نشان از تایید سؤال دارد؛ یعنی بین عوامل عاطفی و احساسی دانشجویان و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد.

(۲) آیا بین امکانات آموزشی و یادگیری رابطه وجود دارد؟

جدول ۴- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف مربوط به سؤال (۲)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده ها
10.0	12.0	22	کاملاً موافق
6.0	12.0	18	موافق
-7.0	12.0	5	بی طرف
-7.0	12.0	5	مخالف
-2.0	12.0	10	کاملاً مخالف

جدول ۵- آزمون خی دو: محاسبه‌ی رابطه‌ی امکانات آموزشی و یادگیری زبان فارسی

19.83	آماره
4	درجه آزادی
0.00	سطح معناداری

در جدول (۵) چون سطح معناداری از 0.05 کمتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری می‌باشد. گزینه‌های جدول فراوانی مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که پاسخ‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق متمایل است که نشان از تایید سؤال دارد؛ یعنی بین امکانات آموزشی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد.

### ۳) آیا بین محتوای کتاب درسی با یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟

جدول ۶- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف مربوط به سؤال (۳)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده‌ها
6.0	12.0	18	کاملاً موافق
15.0	12.0	27	موافق
-4.0	12.0	8	بی‌طرف
-7.0	12.0	5	مخالف
-10.0	12.0	2	کاملاً مخالف

جدول ۷- آزمون خی دو: محاسبه‌ی رابطه‌ی کتب و محتوای درسی و یادگیری زبان فارسی

35.5	آماره
4	درجه آزادی
0.00	سطح معناداری

در جدول (۷) چون سطح معناداری از 0.05 کمتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری می‌باشد. گزینه‌های جدول فراوانی مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که پاسخ‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق متمایل است که نشان از تایید سؤال دارد؛ یعنی بین محتوای کتاب درسی با یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد.

### ۴) آیا بین رغبت (علاقه) دانشجویان به زبان فارسی و یادگیری آن رابطه وجود دارد؟

جدول ۸- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف درباره‌ی سؤال (۴)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده‌ها
8.0	12.0	20	کاملاً موافق
6.0	12.0	18	موافق
-5.0	12.0	7	بی‌طرف
-2.0	12.0	10	مخالف
-7.0	12.0	5	کاملاً مخالف

جدول ۹- آزمون خی دو: محاسبه‌ی رابطه‌ی بین علاقه و یادگیری زبان فارسی

14.83	آماره
-------	-------

بررسی موانع یادگیری آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان عرب / ۱۴۳

4	درجه آزادی
0.04	سطح معناداری

در جدول (۹) چون سطح معناداری از 0.05 کمتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری می‌باشد. گزینه‌های جدول فراوانی مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که پاسخ‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق متمایل است که نشان از تایید سؤال دارد؛ یعنی بین محتوای کتاب درسی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد.

(۵) آیا بین کشور و فرهنگ ایران و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟

جدول ۱۰- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف درباره‌ی سؤال (۵)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده‌ها
.0	12.0	12	کاملاً موافق
-4.0	12.0	8	موافق
-1.0	12.0	11	بی طرف
-2.0	12.0	10	مخالف
7.0	12.0	19	کاملاً مخالف

جدول ۱۱- آزمون خی دو: محاسبه‌ی یادگیری رابطه‌ی کشور و فرهنگ ایران و یادگیری زبان فارسی

5.38	آماره
4	درجه آزادی
2.1	سطح معناداری

در جدول (۱۱) چون سطح معناداری از 0.05 بیشتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری نمی‌باشد و ترجیح خاصی بین افراد در گزینه‌ها وجود ندارد. در نتیجه پاسخ به این سؤال منفی است؛ یعنی بین کشور و فرهنگ ایران و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود ندارد.

(۶) آیا بین تداخل زبان اول (عربی) و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد؟

جدول ۱۲- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف درباره‌ی سؤال (۶)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده‌ها
3.0	12.0	15	کاملاً موافق
4.0	12.0	16	موافق
-3.0	12.0	9	بی طرف
-2.0	12.0	10	مخالف
-2.0	12.0	10	کاملاً مخالف

جدول ۱۳- آزمون خنی دو: محاسبه‌ی رابطه‌ی تداخل زبان اول (عربی) و یادگیری زبان فارسی

3.50	آماره
4	درجه آزادی
4.7	سطح معناداری

در جدول (۱۳) چون سطح معناداری از 0.05 بیشتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری نمی‌باشد یعنی ترجیح خاصی بین افراد در گزینه‌ها وجود ندارد و پاسخ به این سؤال منفی است؛ یعنی بین تداخل زبان اول و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود ندارد.

(۷) آیا بین شیوه‌ی آموزشی و یادگیری زبان رابطه وجود دارد؟

جدول ۱۴- محاسبه‌ی توزیع فراوانی و اختلاف دربارهی سؤال (۷)

اختلاف	مقادیر مورد انتظار	فراوانی	رده‌ها
6.0	12.0	18	کاملاً موافق
11.0	12.0	23	موافق
-6.0	12.0	6	بی طرف
-4.0	12.0	8	مخالف
-7.0	12.0	5	کاملاً مخالف

جدول ۱۵- آزمون خنی دو: محاسبه‌ی رابطه‌ی شیوه‌ی آموزشی و یادگیری زبان فارسی

21.5	آماره
4	درجه آزادی
0.00	سطح معناداری

در جدول (۱۵) چون سطح معناداری از 0.05 کمتر است، لذا نحوه‌ی پاسخ افراد به پرسشنامه دارای معنای خاصی از لحاظ آماری می‌باشد. گزینه‌های جدول فراوانی مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که پاسخ‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق متمایل است که نشان از تایید سؤال دارد؛ یعنی بین شیوه‌ی آموزشی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال اول تحقیق نشان می‌دهد که  $P < 0.05$  کمتر از مقدار بحرانی جدول است، بنابراین عوامل عاطفی و احساسی در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم مؤثر است. زبان‌آموزی که از لحاظ احساسی و عاطفی در شرایط بهتری باشد، در یادگیری زبان موفق‌تر است و این مطابق فرضیه‌ی فیلتر عاطفی کراشن (۱۹۸۱) است. کراشن (۱۹۸۱) معتقد است که برخی متغیرهای احساسی به یادگیری کمک می‌کنند.



تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال دوم تحقیق نشان می‌دهد که  $P < 0.05$  کمتر از مقدار بحرانی جدول است، بنابراین امکانات آموزشی در یادگیری زبان دوم مؤثر است. عواملی مانند آزمایشگاه زبان، کلاس‌های مناسب، سیستم صوتی، کتابخانه، اینترنت و غیره در یادگیری زبان دوم مؤثر است بطوری که کمبود و یا نبود این امکانات مانعی در امر آموزش است. نتایج این بخش با نتایج سجاد (۱۳۸۴)، جمالی پاقلعه (۱۳۸۷) و ارتیز (۲۰۰۱) مطابقت دارد.

تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال سوم تحقیق نشان می‌دهد که  $P < 0.05$  کمتر از مقدار بحرانی جدول است و این نشان می‌دهد که محتوای کتاب درسی در یادگیری زبان نقش مؤثر دارد تا با زبانی شیوا و متنوع مطالب را آموزش دهد. عدم توجه کافی از سوی مؤلفین کتاب‌ها به بُعد محتوایی آموزش زبان و تاکید بیش از اندازه بر بُعد دستوری آن، می‌تواند به عنوان یک مانع برای یادگیری زبان محسوب شود.

تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال چهارم تحقیق نشان می‌دهد که  $P < 0.05$  کمتر از مقدار بحرانی جدول است، یعنی بین علاقه (رغبت) زبان‌آموزان به زبان فارسی و یادگیری آن به عنوان زبان دوم رابطه وجود دارد. علاقه (رغبت) را می‌توان به عنوان عوامل نیرودهنده، هدایت‌کننده و نگه‌دارنده‌ی رفتار تعریف کرد. اگر زبان‌آموزان نسبت به یادگیری بی‌علاقه باشند (دارای انگیزه‌ای در سطح پایین باشند) پیشرفت چندانی نخواهند داشت.

تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال پنجم تحقیق نشان می‌دهد که  $P > 0.05$  بیشتر از مقدار بحرانی جدول است، یعنی بین یادگیری زبان فارسی برای عرب‌زبانان و فرهنگ و کشور ایران رابطه‌ای وجود ندارد. این در حالی است که یول (۱۹۸۶) معتقد است که فرهنگ نقش بسزایی در نگرش افراد دارد و نگاه زبان‌آموز نسبت به زبان و فرهنگ کشور مقصد موضوع مهمی است که نمی‌شود چشم‌پوشی کرد. نگرش زبان‌آموز می‌تواند عاملی بازدارنده و یا تقویت‌کننده در مسیر یادگیری زبان باشد. از نظر نگارنده از آنجایی که آزمودنی‌ها از لحاظ دینی و عقیدتی به مردم ایران نزدیک هستند، فرهنگ و کشور ایران مانعی در ارتباط با یادگیری محسوب نشده است.

تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال ششم تحقیق نشان می‌دهد که  $P > 0.05$  بیشتر از مقدار بحرانی جدول است و نشانگر این است که زبان اول (عربی) مانعی در یادگیری زبان فارسی نبوده است. تجزیه و تحلیل مربوط به سؤال هفتم تحقیق نشان می‌دهد که  $P < 0.05$  کمتر از مقدار بحرانی جدول است، یعنی بین سیستم آموزشی و یادگیری زبان فارسی رابطه وجود دارد. سیستم آموزشی به روش تدریس معلم و برنامه‌ریزی مرکز برای آموزش زبان باز می‌گردد. در کنار سیستم آموزشی، معلم نیز عامل مهمی در یادگیری است. معلم با شناخت امکانات به تجهیز محیط آموزشی می‌پردازد، موقعیت آموزشی مناسب را بوجود می‌آورد و با شناخت استعداد، علائق و توانایی شاگردان شیوه‌ی مناسب تدریس و ساعات تدریس را بکار می‌گیرد.

در پایان لازم به ذکر است که برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر، نیاز به گسترش هم‌زمان سطح جامعه‌ی تحقیق، معرفی متغیرهای مؤثر دیگر و کنترل متغیرهای مزاحم است. به نظر می‌رسد تحقیقاتی از این دست به آموزش مفید و مؤثر زبان فارسی یاری رساند.

## منابع

جمالی پاقلعه، مهدیه. (۱۳۸۷). "دانش‌آموزان و ناتوانی آن‌ها در تکلم به زبان انگلیسی". *مجله رشد آموزش زبان*، شماره ۴.

سجاد، زهره. (۱۳۸۴). "بررسی میزان تاثیر مهارت‌های آموزش زبان انگلیسی بر افزایش مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

صمدآقایی، جلیل. (۱۳۸۳). *خلاقیت، جوهره‌ی کارآفرینی*. تهران: مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران.

- مارتون، والدمر. (۱۳۸۱) روش‌های تدریس زبان. ترجمه زهره سیفوری. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- Ashorth, Mary. (1985). *Beyond Methodology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, H. D. (2007). *Teaching by principles: An interactive approach to language pedagogy (3<sup>rd</sup> ed.)*. White Plains, NY: Pearson Education.
- Carter, R. (2002). *Teaching English to speakers of other language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chan, Alice. (2004). Syntactic Transfer: Evidence from the inter language of Hong Kong Chinese ESL learners. *The model language journal*. 88, 56-74.
- Cook, Vivian. (1991). *Second Language Learning and Language Teaching*. London: Edward Arnold.
- Jarvis, S. (2002). Topic continuity in in L2 English article use. *Studies in Second Language Acquisition*, 24.
- Krashen, S. (1981). *Second language acquisition and second language learning*. Oxford: Pergamon Press.
- Kuhn, T. (1970). *The structure of scientific revolutions*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lado, R. (1957). *Linguistics across Cultures*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- [Lev S. Vygotsky](#). (2012). *Thought and Language*. edited by A. Kozulin. Cambridge, MA: MIT Press, 1986. Pp. lvi + 287.
- Newmeyer, F. & S.H. Weinberger. (1996). "the ontogenesis of second language learning research." *Generative Linguistics*. London: Routledge.
- Nunan, David. (1988). *The Learner. Centered Curriculum*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Odlin, T. (1989). *Language Transfer*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ortiz, Alba. (2001). English language learning with special needs, effective instructional strategies. *Journal of learning disabilities*. 30. 321-420.
- Perdue, C. (ed.) (1993). *Adult Language Acquisition: Cross-linguistic Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ringbom, H. (1978). 'The Influence of the Mother Tongue on the Translation of Lexical Items'. *Interlanguage Studies Bulletin* 3/1: 80-101.
- Rivers, Wilga. M. (1981). *Teaching foreign language skills*. Chicago: University of Chicago Press.
- Swan, M & Smith, B. (2001). *Learner English: A teacher's guide to intereference and other problems*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Yule, George. (1986). *Teaching the spoken language*. Cambridge: Cambridge university press.